

مقام «تسلیم و رضا»

ماه رمضان است و هنگام جلب رضای خدا با رهایی از خود. اکثر مردم انتظار دارند امور بر وفق مرادشان و جهان بر محور مصلحت اندیشی آنان بگردد، بنابراین اگر پیشامدی خلاف تمایلاتشان رخ دهد، بی‌صبری و ناشکیبائی می‌کنند و ناشکری و نارضایتی نشان می‌دهند. به این ترتیب آنان ناخودآگاه تشخیص خود را بر مشیت حکیمانه پروردگار ترجیح می‌دهند و او را تا جایی دوست دارند و قبول می‌کنند که خواسته‌هایشان اجابت کند و منافعتشان را در هر حال رعایت نماید. در غیر این صورت با او قهر می‌کنند و با ترک نماز و قطع ارتباط، طلبکارانه پروردگارشان را به جور و جفا متهم می‌کنند.

این روایت نیز ناظر به چنین انتظاراتی است که خداوند فرمود: "مَنْ لَمْ يَرْضَ بِقَضَائِي فَلْيَطْلُبْ رِبَا غَيْرِي" (هرکس قضای مرا نمی‌پسندد ربّ دیگری طلب کند)!

کسانی هم با این استدلال که: "در کف شیر نر خونخواره‌ای، غیر تسلیم و رضا کو چاره‌ای؟! از سر اجبار و ترس، تن به تسلیم و رضایتی ناگزیر می‌دهند که البته چنین رضایتی نه مطلوب ربّ است و نه محبوب عبد. حالت سوم تسلیم و رضایتی است که از شناخت و شعور و عشق و عرفان حاصل شود. در این حالت بنده مؤمن به مصداق آیه زیر از آن استقبال می‌کند:

بقره ۲۱۶ - وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

چه بسا چیزی را خوش ندارید درحالی که خیر شما در آن است و چه بسا دوستدار چیزی هستید که برای شما شر است. خدا مصلحت شما را می‌داند و شما نمی‌دانید.

به وصف مولوی:

- | | |
|---------------------------------|-----------------------------------|
| • ناخوش او خوش بُود در جان من | • جان فدای یار دل رنجان من |
| • عاشقم بر رنج خویش و درد خویش | • بهر خشنودی شاه فرد خویش |
| • خاک غم را سرمه سازم بهر چشم | • تا زگوهر پر شود دو بحر چشم |
| • اشک کان از بهر او بارند خلق | • گوهر است و اشک پندارند خلق |
| • دل که او بسته غم و خندیدن است | • تو مگو کو لایق آن دیدن است |
| • آنکه او بسته غم و خنده بُود | • او بدین دو عاریت زنده بُود |
| • باغ سبز عشق کو بی منتهاست | • جز غم و شادی در آن بس میوه‌هاست |
| • عاشقی زین هردو حالت برتر است | • بی بهار و بی‌خزان سبز و تر است |

این مقام، همان مقام تسلیم و رضاست که در وصف آن گفته شده: "طوبی لنفسی عن الله" (خوش به سعادت کسی که از خدا راضی باشد) یا: "نعم القرین الرضا" (چه همنشین خوبی است رضایت داشتن). خوشی و ناخوشی‌ها قرین یکدیگرند و زندگی ما با دردها و رنج‌ها عجین شده است. چه نیکو ستوده است قرآن کسانی را که وقتی با مصیبتی مواجه می‌شوند، بازتاب دلشان چیزی جز این نیست که: "ما متعلق به خدائیم و به سوی او باز می‌گردیم"! خداوند بر این‌ها درود فرستاده و همین‌ها را هدایت شده شمرده است:

بقره ۱۵۵ تا ۱۵۷ - وَلَنْبَلُوَكُمْ شَيْءٌ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ

مولوی در مثنوی خود زبان حال حضرت نوح را هنگام غرق شدن پسرش به زیبایی سروده است:

- | | |
|-------------------------------|--------------------------------|
| • گفت نی نی راضی‌ام که تو مرا | • هم کنی غرقه اگر باید ترا |
| • هر زمانم غرقه می‌کن من خوشم | • حکم توجان است چون جان می‌کشم |
| • ننگرم کس را و گر هم بنگرم | • او بهانه باشد و تو منظرم |
| • عاشق صنّع توام در شکر و صبر | • عاشق مصنوع باشد او چو گبر |
| • عاشق صنّع خدا با فر بُود | • عاشق مصنوع او کافر بُود |

اوج چنین تسلیم و رضایتی را از حالات امام حسین(ع) نقل کرده‌اند که در واپسین لحظات عمر پر فروغش، پس از مشاهده آن همه مصیبت بر عزیزان و یاران، هنگام شهادت فرمود:

راضیا برضائک تسلیم لا مرک لامعبود سواک یا غیاث المستغیثین

به رضای تو راضی‌ام و تسلیم فرمان توام، معبودی به جز تونیست ای فریاد رس دادخواهان

چنین مقامی، مصداق همان خطابی است که در انتهای سوره فجر آمده است:

فجر ۲۷ تا ۳۰ - يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي

ای نفس آرام و مطمئن، به سوی پروردگارت باز گرد؛ خشنود و مورد خشنودی (خدا)؛ در صف بندگان (خاص) من داخل شو و به بهشت من درآی.

- | | |
|----------------------------------|--------------------------------|
| • هم در آن دم شد دراز و جان بداد | • همچو گل درباخت سرخندان و شاد |
| • ماند آن خنده بر او وقف ابد | • همچو جان و عقل عارف بی کبد |
| • نور مه آلوده کی گردد ابد | • گر زند آن نور بر هر نیک و بد |
| • ارجعی بشنود نور آفتاب | • سوی اصل خویش باز آمد شتاب |
| • نه ز گلخنها بر او ننگی بماند | • نه ز گلشنها بر او رنگی بماند |
| • نور دیده، نور دیده بازگشت | • ماند در سودای او صحرا و دشت |

مثنوی مولوی دفتر ۵ ابیات ۱۲۵۶ ببعد

رضوان الله بالاتر از بهشت

برای عاشق راستین، اگر از خود بی‌خود شده و به جمال یار دل سپرده باشد، رضایت معشوق محبوب‌تر از وصال خویش است. عشق مولی نیز اگر راستین باشد، رضایت معبود برتر از بهشت موعود می‌گردد:

توبه ۷۲ - وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

خداوند به مردان و زنان مؤمن باغ‌هایی وعده داده که نهرها از دامان آن جاری است و نیز مساکنی نیکو در باغهای پاینده بهشت که جاودانه در آن به سر برند، اما خشنودی خدا از همه اینها برتر است؛ این است همان کامیابی بزرگ.

محرومیت از این رضایت و سوز دل فراغ را امام علی(ع) در دعای کمیل به زیباترین سخن بیان کرده است:

فلئن صیرتنی للعقوبات مع اعدائک و جمعت بینی و بین اعدائک و فرقت بینی و بین احبائک و اولیائک فهبنی صبرت علی عذابک فکیف اصبر علی فراقک، و هبنی یا الهی صبرت علی حر نارک فکیف اصبر عن النظر الی کرامتک

پس اگر سرنوشت مرا در عقوبت همراه دشمنانت رقم زنی و مرا با آنان گردآوری و از دوستدارانت جداسازی، ای خدای من، به فرض که عذابت را تحمل توانم کرد، چگونه فراق تو را تحمل کنم؟ و به فرض که بر حرارت آتش شکیبائی کردم، چگونه محرومیت از نگاه به کرامتت را تحمل کنم؟

در برخی مناجات‌های آن امام آمده است که: "پروردگارا، اگر مرا به دوزخ هم روانه کنی، به همه اهل دوزخ خواهم گفت که تنها ترا دوست دارم!"

باز هم به قول مولوی:

عاشقم بر قهر و بر لطفش به جید بوالعجب من عاشق این هر دو ضد

رضایت خدا، عالی ترین آرزو

سوره مریم با مناجات و دعای پرسوز و گداز حضرت زکریا(ع) در جلب عنایت خدا برای موهبت فرزندى که عهده دار بار امانت و ادامه دهنده رسالت او باشد آغاز می‌شود. تنها صفت و مشخصه‌ای که زکریا برای فرزندش آرزو می‌کند، مورد رضایت ربّ بودن است:

مریم ۵ و ۶ - ... فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرْتِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ ۖ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا

جالب است که دعائی هم که خدا در دهانمان گذاشته تا هنگام رسیدن به اوج بلوغ عقلی‌مان در چهل سالگی بخوانیم، انجام کارهای شایسته‌ای است که او راضی باشد:

احقاف ۱۵ - ... حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي دُرِّيَّتِي ۖ إِنَّكَ إِلَهِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ

هدایت قرآن مختص کسانی است که رضایت رب را پیروی می‌کنند

مائده ۱۶ - قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

در تکاپو و تلاش رسیدن به رضایت رب

قرآن با وصف حال مؤمنین ممتازی که در کسب رضایت خدا تلاش می‌کنند، الگوهای اخلاص را به ما معرفی کرده است، آیات زیر اشاره‌ای به برخی از آنهاست:

بقره ۲۰۸ - وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ

حشر ۸ - لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۚ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ

فتح ۲۹ - مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ۗ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ ۖ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا....

نساء ۱۱۴ - لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ ۚ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا

آل عمران ۱۷۳ و ۱۷۴ - الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ

تقوا و رضایت ، دو بال پرواز به آسمانهای بلند

توبه ۱۰۹ - أَقِمْنَ أَسْسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ شِقَا جُرْفٍ هَارٍ فَأَنْهَارَ بِهِ فِي نَارٍ جَهَنَّمَ ۚ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

رضایت به آزادی مخالفین

طه ۱۳۰ - فَاصْبِرْ ۚ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا ۖ وَمِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ